

سیاسی

محمدباقر خرازی؛ از «فتح تهران» و کشتن «زنان بی‌حجاب» تا دادگاه ویژه روحانیت

وحید پوراستاد

کمتر از یک دقیقه پیش



محمدباقر خرازی (سمت راست تصویر) برادر همسر مسعود خامنه‌ای، برادر رهبر جمهوری اسلامی، است

محمدباقر خرازی این روزها تقریباً هر بار که مقابل جماعتی می‌نشیند، چیزی برای غافلگیر کردن دارد؛ یک روز از ۲۸ بار استعفای مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور اسلامی ایران، خبر می‌دهد و روز دیگر از پیغام خصوصی مجتبی خامنه‌ای، رهبر سوم جمهوری اسلامی. یک جا از کنار گذاشتن عباس عراقچی، وزیر خارجه از مذاکرات می‌گوید و جای دیگر سراغ طرح‌های عجیب قدیمی‌ترش می‌رود.

خرازی البته برای خانواده‌ی خامنه‌ای غریبه نیست؛ خواهرش همسر مسعود خامنه‌ای، برادر رهبر فعلی جمهوری اسلامی است.

تازه‌ترین حرف‌هایش اما جنجال بسیاری بر پا کرده است. هر چند در جمهوری اسلامی و گروه‌های سیاسی، کسی او را گردن نمی‌گیرد.



↓ لینک مستقیم ✓

↗ بازکردن در پنجره جدید

از فتوای «قتل زنان» تا «فتح تهران»

خرازی، دبیرکل تشکل «حزب الله ایران»، در ویدئویی که تصویر و صدای آن منتشر شده، درباره بی‌حجابی می‌گوید: «من فتوا می‌دهم هرکس بی‌حجاب باشد باید کشته شود». بعد پیشنهاد می‌کند که جمعیتی ۵۰ هزار نفری در تهران سازماندهی شود تا با زنان بدون حجاب اجباری «به تندی» برخورد کند. او در همان مجموعه سخنان، بدون ارائه سند، بهائیان را هم متهم می‌کند که با «۵۰ نفر» بی‌حجابی را در سراسر کشور «ایجاد کرده‌اند».

ماجرای در خیابان تمام نمی‌شود. خرازی می‌گوید اگر دولت در برابر این جمعیت بایستد، همان ۵۰ هزار نفر می‌توانند «تمام سازمان‌ها» را تصرف کنند. دولت مسعود پزشکیان را «شیطانی» و «مزدور آمریکا» و خود را او «الدنگ» می‌خواند و سرانجام عدد را ده برابر می‌کند: «حزب‌اللهی‌ها باید فوراً جمع بشوند... ۵۰۰ هزار نیرو جمع کنیم، پدر دولت را در بیاوریم».

محمدعلی ابطحی، معاون پیشین رئیس‌جمهور در دولت محمد خاتمی، در شبکه ایکس تعبیر تندی برای این حرف‌ها به کار برده است: «افتتاح شعبه رسمی حکومت اسلامی داعش».

داوود حشمتی، روزنامه‌نگار اصلاح‌طلب، از زاویه دیگری به ماجرا نگاه کرده است. او نوشته که باید از خرازی «تشکر» کرد، چون به باورش چیزهایی را صریح می‌گوید که این جریان قبول دارد اما جرأت بیانش را ندارد؛ از «فتوای قتل بی‌حجاب‌ها» تا تلاش برای ساخت شبکه‌ای به قصد پایین کشیدن دولت قانونی. حشمتی نوشته است: «خرازی دریچه‌ای باز کرده برای تابیدن نور به این تاریکخانه».

اما پیش از انتشار این ویدئو هم بخشی دیگر از حرف‌های خرازی جنجال‌ساز شده بود. او از «گذر از جمهوری اسلامی» و تشکیل «حکومت اسلامی/ولایی با محوریت تشکیلات حزب‌اللهی» سخن گفته و در صحبت‌هایش از حضور نیرو در تهران و مقابله با دولت حرف زده بود. برخی رسانه‌های داخل ایران این سخنان را فراخوان برای «فتح تهران» و ساقط کردن دولت تعبیر کردند. در تعبیر رسانه‌ها می‌توان مناقشه کرد، اما در ویدئوی تازه، اصل تهدید علیه دولت دیگر چندان مبهم نیست.

در همان سخنان، خرازی برای این «حضور نیرو» نقشه عددی هم می‌دهد: از حلقه‌های ۱۷ نفره شروع می‌کند، برای هر شهر ۵۳۰ نفر می‌خواهد و در نهایت از تشکیلاتی ۲۵۰ هزار نفری حرف می‌زند. مدرسه، سایت و آموزش نیرو هم در طرحش جا دارد. بعد می‌گوید «یک اطلاعیه می‌دهیم که همه به تهران بریزند» و همان یک اطلاعیه «کار را تمام خواهد کرد».

این جاست که این حرف واکنش محمدحسین خوشوقت برادر سعیده خوشوقت، همسر مصطفی خامنه‌ای، پسر ارشد علی خامنه‌ای را هم برمی‌انگیزد. پدر آن‌ها، آیت‌الله عزیرالله خوشوقت، نیز از روحانیان بسیار نزدیک به رهبر کشته‌شده جمهوری اسلامی بود.

خوشوقت هشدار داده که نباید با این فرض که «پس آقا هرچه می‌گوید درست است» تحت تأثیر خرازی قرار گرفت. به نوشته او، این نوع سخنان می‌تواند مقدمه «اثرگذاری‌های سیاسی و اجتماعی» باشد و خرازی در پی «لشکرکشی به تهران برای ساقط کردن دولت یا تغییر نظام جمهوری اسلامی» است. این واکنش از آن جهت مهم است که خود خرازی هم بخش مهمی از اعتبار ادعاهایش را از نزدیکی به خانواده‌ی خامنه‌ای می‌گیرد.

بیشتر در این باره:

پاراگراف اول؛ علی خامنه‌ای، پیوند «بخت و تخت» با آینده مجتبی



بیست و هشت استعفا، یک تکذیب

جنگالی که نام او را دوباره به صدر خبرها برگرداند نیز دقیقاً از همین‌جا آغاز شد: خرازی مدعی شد مسعود پزشکیان ۲۸ بار استعفا داده، متن استعفا نوشته یا تهدید به کناره‌گیری کرده است. سپس روایتی از واکنش مجتبی خامنه‌ای ارائه کرد؛ رهبر جمهوری اسلامی به رئیس‌جمهور پیغام داده که اگر «یک بار دیگر» استعفا کند، این بار استعفایش پذیرفته خواهد شد.

خرازی بعد چند خبر دیگر هم روی میز گذاشت. گفت قرار است محمدباقر ذوالقدر، دبیر شورای عالی امنیت ملی، جابه‌جا شود و محسن رضایی، فرمانده پیشین سپاه، جای او را بگیرد. درباره‌ی عباس عراقچی، وزیر خارجه، هم مدعی شد که به او گفته‌اند «حق مداخله در مذاکرات را به هیچ عنوان نداری».

او برای این روایت‌ها سندی منتشر نکرد.

این بار دفتر مجتبی خامنه‌ای رهبر سوم جمهوری اسلامی مستقیماً وارد ماجرا شد و اعلام کرد که مرجع رسمی انتشار پیام‌ها و مطالب مرتبط با رهبر، دفتر و پایگاه رسمی رهبری است و ادعای مطرح‌شده درباره‌ی پاسخ او به رئیس‌جمهور را «از اساس کذب و خلاف واقع» خواند. نهاد ریاست‌جمهوری نیز داستان استعفا را رد کرد. خود مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور اسلامی ایران، گفت: «من استعفا بدهم، رسماً اعلام می‌کنم» و تأکید کرد: «استعفا نخواهم داد، خواهم ایستاد».

خرازی هم پس از این تکذیب عقب ننشست. نوشت: «گرچه به احترام قائد شهید و نیز رهبر معظم حاضر، تکذیبیه‌ی روابط عمومی و دفتر نشر آثار را حدوثاً می‌پذیریم، ولی امیدواریم پس از تغییرات مهم آینده در حوزه دفاتر فوق این تکذیبیه همچنان باقی بماند». پاسخی که در ظاهر پذیرش تکذیبیه بود، اما با اشاره دوباره به «تغییرات مهم آینده» در دفتر رهبری، تردید خود را هم در همان جمله باقی گذاشت.

مهدی طباطبایی، معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهور، ادعاهای مربوط به استعفا را «واهی و کذب محض» خواند. اما از مجلس صدای دیگری هم شنیده شد. حمید رسایی، نماینده تندرو مجلس با طعنه پیشنهاد کرد که پزشکیان یک بار دیگر استعفا دهد تا معلوم شود خرازی راست می‌گوید یا نه.

علیرضا نوین، نماینده مجلس، از زاویه دیگری وارد شد. او خرازی را مصداق پدیده‌ی «مطلعین و متصلین قلابی» دانست؛ کسانی که به گفته نوین، برای کسب اعتبار و شهرت، حرف‌هایی را به مقام‌های کشور نسبت می‌دهند. نوین از دستگاه قضایی خواست خرازی را پاسخگو کند و برای این ادعاها از او «سند و مدرک» بخواهد.

محمد باقر خرازی اما هم‌زمان خود دفتر رهبری را هدف گرفته است. او مدعی است مجتبی خامنه‌ای «دفتر دیگری» تشکیل داده که فعال شده و قرار نیست جز افراد بسیار محدودی از کارکنان دفتر سابق در آن بمانند. به گفته او، بناست «عذر» بقیه خواسته شود. برای وجود و ترکیب چنین دفتری تأیید مستقلی منتشر نشده است.

خود خرازی اما اصرار دارد که آدم بی‌خبری نیست. می‌گوید نزدیک به چهار دهه است که مجتبی خامنه‌ای را می‌شناسد و از دیدارها و گفت‌وگوهای خصوصی با او حرف می‌زند. در ویدئوهای دیگری حتی وارد اختلاف‌های درونی دفتر علی خامنه‌ای شده؛ مدعی شده که دفتر رهبر سابق «خیلی فاسد» بوده و اصغر حجازی، از بانفوذترین چهره‌های دفتر علی خامنه‌ای، مجتبی خامنه‌ای را سه سال از دفتر پدرش طرد کرده بود. خرازی همچنین بدون ارائه سند درباره برادر وحید حقانیان، از مقام‌های پیشین دفتر رهبر، ادعای ارتباط با سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا، سی‌آی‌ای، را مطرح کرده است.

جزئیات تازه، ادعای نزدیکی او را صریح‌تر می‌کند: خرازی می‌گوید «۴۰ سال» با مجتبی خامنه‌ای رفیق بوده و «جلسات خصوصی حسابی» با او داشته است. می‌گوید اگر «رابطه اختصاصی» او با علی خامنه‌ای و مجتبی خامنه‌ای نبود، دفتر تشکل «حزب‌الله ایران» را از بین برده بودند. در توصیف رهبر فعلی نیز می‌گوید «خداوند حاج‌آقا مجتبی را برای ما گذاشت» و تفکرات و برخوردهای او را «خیلی تندتر» از پدرش می‌داند.

فهرست اتهام‌های او به همین‌جا ختم نمی‌شود. مهدی فضائلی، عضو دفتر حفظ و نشر آثار علی خامنه‌ای، را «چیپ تند» و حامی میرحسین موسوی معرفی می‌کند و می‌گوید برخی دیگر در آن مجموعه از حامیان سرسخت حسینعلی منتظری، قائم‌مقام برکنار شده رهبر جمهوری اسلامی در دهه ۶۰، بوده‌اند. علیرضا مرندي، سرپرست پیشین تیم پزشکی علی خامنه‌ای، را بابت سیاست‌های جمعیتی، «فاسد» و «مشکوک» می‌خواند. خرازی حتی جمله‌ای درباره وجود «حفره امنیتی» و نفوذ در دفتر رهبر سابق را به عباس عراقچی، وزیر خارجه، نسبت می‌دهد. اما برای هیچ‌یک از این اتهام‌ها سند معتبری ارائه نمی‌کند.

از تکذیب تا احضار به دادگاه روحانیت

در همین فضای ادعا و تکذیب، حسن عاملی، نماینده ولی‌فقیه در استان و امام جمعه اردبیل، مستقیماً از قوه قضائیه پرسید وقتی شخصی خبری را به رهبر نسبت می‌دهد و دفتر رهبری «با صراحت» آن را رد می‌کند، آیا این جرم هست یا نه و چرا دستگاه قضایی وارد نمی‌شود؟

او این کار را «قطعاً جرم بسیار بزرگی» خواند و گفت علاوه بر ضربه به جایگاه رهبری، برای کشور «هزینه بسیار سنگین» ساخته و دشمن را جری کرده است. عاملی همچنین سخنی از آیت‌الله عبدالله جوادی آملی، مرجع تقلید شیعه، نقل کرد که اگر کسی «عالم‌عامداً» وحدت اسلامی را به هم می‌زند، باید با او مبارزه کرد «ولو عمامه من بر سر او باشد».

این پرسش حالا پاسخ عملی گرفته است. اصغر جهانگیر، سخنگوی قوه قضائیه، روز ۱۷ مرداد اعلام کرد که محمدباقر خرازی به دلیل روحانی بودن به دادگاه ویژه روحانیت احضار و تحت تعقیب کیفری قرار گرفته است. به گفته جهانگیر، خرازی «می‌تواند اتهامات متعدد امنیتی» داشته باشد و اگر در دادگاه حاضر نشود، حکم جلب او صادر خواهد شد.

محمدباقر خرازی پس از بالا گرفتن واکنش‌ها و احضارش به دادگاه ویژه روحانیت، این‌بار اصل کلیپ‌های منتشرشده را زیر سؤال برد. او بدون اشاره به ویدئوی مشخصی، به‌طور کلی مدعی شد که کلیپ‌های منتسب به او «جعلی» و «ساخته هوش مصنوعی» هستند و گفت: «من این حرف‌ها را نزدم». خرازی برای

ادعای دستکاری یا ساخت این تصاویر با هوش مصنوعی سند یا بررسی فنی ارائه نکرده و تاکنون نیز تأیید مستقلی برای این ادعا منتشر نشده است.

مجتبی زارعی، نماینده تهران در مجلس، حتی تندتر رفت. او خطاب به خرازی نوشت که اگر دادستانی، او و شاهدانش را بازداشت کند و دادگاه خرازی را به شلاق محکوم کند، «حاضریم با وضو و با افتخار آن را اجرا کنم». زارعی نوشت نقد، حتی نقد رهبری، پذیرفتنی است اما «تولید بمب تفرقه» در وضعیت جنگی نه.

بیشتر در این باره:

رهبری مجتبی خامنه‌ای؛ از سلطنت به ولایت، و از ولایت به «هیچ»



روزنامه محافظه‌کار «جمهوری اسلامی» نیز در واکنش به همان ماجرای استعفای پزشک‌یان، خرازی را «فرد معلوم‌الحال» نامید، ادعایش را «جعلیات» و «خلاف منافع ملی» خواند و نوشت از این سخنان «بوی خیانت» به مشام می‌رسد.

این روزنامه از قوه قضائیه خواست با منتشرکنندگان چنین ادعاهایی «برخورد قاطع» کند. جمهوری اسلامی در موضع تازه‌تری هم نوشت سخنان خرازی را نباید «یک اتفاق عادی» دید: به ادعای این روزنامه، هر وقت مذاکرات به نقطه‌ای نزدیک می‌شود که احتمال آرامش، ثبات و فاصله گرفتن از جنگ بالا می‌رود، جریان‌هایی با جنجال‌آفرینی وارد میدان می‌شوند. این روزنامه مشخصاً ادعای استعفای رئیس‌جمهور را تلاشی برای اخلال در رسیدن به توافق بر سر مدیریت تنگه هرمز دانسته است.

محمدباقر خرازی در همین روایت از کشمکش‌های درونی، پای صادق آملی لاریجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، را هم وسط کشیده است. مدعی شده که «دفتر آقا» به دنبال رهبری لاریجانی بوده و «عده‌ای با او بسته بودند». بعد با اشاره به سابقه‌ای شخصی از دوران پیش از انقلاب می‌پرسد: «حالا می‌خواست رهبر انقلاب شود؛ این فاجعه نیست؟» اصل این جملات در ویدئوی خرازی شنیده می‌شود، اما ادعای او درباره نقش دفتر رهبری و طرح جانشینی لاریجانی مستقلاً تأیید نشده است.

دامنه حملات خرازی از بیت رهبری هم بیرون می‌زند. او گروهی از قضات قم را متهم می‌کند که در یک مزرعه «کثافت‌کاری» می‌کردند، شبکه شده بودند و به گفته او، هر نیروی حزب‌اللهی مخالف خواست‌شان را تحت فشار می‌گذاشتند. محمود محمدی عراقی، رئیس پیشین سازمان تبلیغات اسلامی و مسئول دفتر علی خامنه‌ای در قم، را نیز متهم می‌کند که تشکیلات مساجد را از دست مردم خارج و زیر کنترل سازمان تبلیغات برد تا زمینه «نفوذ» فراهم شود. جای دیگری، سعید حجاریان، نظریه‌پردازان اصلاح‌طلب، را «هسته مرکزی» جریانی می‌خواند که آن را «فاسد» می‌نامد.

خرازی از کجا آمده؟

با این همه، نام محمدباقر خرازی تازه با این جنجال‌ها وارد سیاست ایران نشده است.

او متولد هفتم تیر ۱۳۴۰ در قم و فرزند آیت‌الله محسن خرازی، عضو مجلس خبرگان رهبری و از استادان حوزه علمیه قم است. برادرش صادق خرازی، دیپلمات باسابقه و سفیر پیشین ایران در فرانسه و سازمان ملل بوده و عمویش کمال خرازی، وزیر خارجه دولت محمد خاتمی و مشاور علی خامنه‌ای بود که در حملات آمریکا و اسرائیل در جریان جنگ ۴۰ روزه کشته شد. خود خرازی نیز از دهه ۱۳۷۰ دبیرکل تشکل «حزب‌الله ایران» است و چند مرکز حوزوی و مذهبی را راه‌اندازی و اداره کرده است.

یک رشته دیگر هم او را مستقیم به خانواده خامنه‌ای وصل می‌کند: خواهر محمداقرا خرازی، همسر مسعود خامنه‌ای، یکی از پسران علی خامنه‌ای است؛ بنابراین ادعای آشنایی و رفت‌وآمد او با این خانواده از هیچ ساخته نشده است؛ اما نسبت خانوادگی به خودی خود چیزی دربارهٔ صحت خبرهای محرمانه‌ای که نقل می‌کند ثابت نمی‌کند.

بلندپروازی‌های خرازی نیز سابقه‌ای طولانی‌تر از ویدئوهای این روزها دارد.

او در آستانهٔ انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۹۲ از برنامه‌ای با عنوان «پارس اسلامی» و تشکیل «دولت متقین» سخن گفت. وعده داد دلار را ظرف یک سال به هزار تومان برساند و تحریم‌ها را در چند ماه نخست ریاست‌جمهوری‌اش لغو کند. گفت می‌تواند تاجیکستان، جمهوری آذربایجان و ارمنستان را «بدون یک قطره خونریزی» به ایران بازگرداند؛ حرفی که وزارت خارجه تاجیکستان را به اعتراض رسمی واداشت. زمانی هم گفته بود که قصد دارد باشگاه منچستر یونایتد را بخرد و نامش را «خیبر» بگذارد. شورای نگهبان سرانجام صلاحیت او را برای انتخابات ریاست‌جمهوری تأیید نکرد.

از «خیبر» تا بمب اتم

در سال‌های بعد، جغرافیای طرح‌های خرازی از همسایگان ایران به آن سوی اقیانوس اطلس هم رسید.

در یکی از سخنرانی‌های پیشین خود گفته بود که «تنها راه نجات» ایران ساختن بمب اتم است؛ بمبی که به پیشنهادش باید در اقیانوس اطلس منفجر شود تا سونامی حاصل از آن به سواحل آمریکا برسد. در بخش دیگری از همان سخنان پیشنهاد کرده بود که در ایالات متحده میان سیاه‌پوستان و سفیدپوستان و همچنین میان ایالت‌ها جنگ داخلی راه انداخته شود.

در همان روزهایی که دوباره این حرف‌ها دست‌به‌دست می‌شود، حسن روحانی، رئیس‌جمهور پیشین ایران، بدون آن‌که نامی از خرازی ببرد به جریانی دیگر در دل همین منطق جنگ اشاره کرده است. روحانی گفته که برخی تشدید جنگ را «زمینه‌ساز ظهور امام زمان» می‌دانند و از چنین باورهایی برای «منافع سیاسی و اقتصادی» و ادامه جنگ استفاده می‌کنند. حرف روحانی واکنش مستقیم به خرازی نبود، اما کنار گذاشتن آن در این تصویر هم آسان نیست.

حتی مخالفان ساخت بمب اتم نیز از قضاوت خرازی در امان نمانده‌اند. او گفته کسانی که از نظر کارشناسی با آن مخالفت کرده‌اند «در آن دنیا خیلی گرفتارند» و بعد جمله‌ای گفته که شاید بیش از هر توصیفی شیوه سخن گفتنش را نشان دهد: «این را با اطلاع از آن طرف عالم می‌گویم».

محمد مهاجری، روزنامه‌نگار و فعال رسانه‌ای اصولگرا، بیشتر از محتوای این خبرها به همین لحن و رفتار واکنش نشان داده است. او نوشته حتی اگر تمام تحلیل‌ها و خبرهای خرازی درست بود – «که نیست» – هتاک، بدزبانی و آنچه «دروغگویی» او می‌خواند، آن‌ها را بی‌ارزش می‌کند. مهاجری پیشنهاد کرده که چنین افرادی لباس روحانیت را کنار بگذارند تا رفتارشان به پای دین نوشته نشود.

کامبیز مهدی‌زاده، داماد حسن روحانی، رئیس‌جمهور سابق ایران، پرسش کوتاه‌تری مطرح کرده است: «اگر باقر خرازی نفوذی نیست، پس چیست؟»

پسران خرازی و نوبیتکس

اما اگر مجموعه این سخنان، تصویر یک روحانی عجیب در حاشیه سیاست را می‌سازد، یک گزارش تحقیقی رویترز این تصویر را کمی پیچیده‌تر می‌کند.

رویترز در مه ۲۰۲۶ گزارش داد علی و محمد، دو پسر محمداقرا خرازی، با نام خانوادگی «آقامیر» از بنیان‌گذاران نوبیتکس، بزرگ‌ترین صرافی رمزارز ایران هستند. این خبرگزاری با بررسی اسناد شرکتی، دولتی

و بانکی نسبت خانوادگی آن‌ها را ردیابی کرده و نوشت که مبالغ قابل توجهی مرتبط با نهادهای تحریم‌شده، از جمله بانک مرکزی و سپاه پاسداران، از نوبیتکس عبور کرده است.

نوبیتکس هرگونه همکاری سازمان‌یافته با این نهادها را رد کرده است. یک ماه بعد وزارت خزانه‌داری آمریکا نوبیتکس و دو پسر خرازی را تحریم کرد. رویترز همچنین گزارش داد که محمدباقر خرازی پیش‌تر در وب‌سایت خود از نقشش در تأمین نیروی انسانی سپاه پس از انقلاب ۵۷ سخن گفته بود.

هیچ‌کدام از این سوابق، درستی روایت‌های امروز خرازی از مجتبی خامنه‌ای یا پشت پرده حکومت را ثابت نمی‌کند. اما یک چیز را دشوارتر می‌کند: این‌که او را صرفاً روحانی بی‌ریشه‌ای در حاشیه سیاست بدانیم.

حاشیه یا محفل؟

درباره محمدباقر خرازی دو پاسخ ساده وجود دارد و هر دو ناقص‌اند. یکی این‌که به دلیل نسبت‌های خانوادگی و سابقه‌اش، هرچه از مجتبی خامنه‌ای و پشت پرده قدرت می‌گوید «خبر از درون» تلقی شود. دیگری این‌که چون از سونامی اتمی، جنگ داخلی آمریکا و کشتن زنان بدون حجاب اجباری حرف می‌زند، همه‌چیز به حساب ذهن یک روحانی نامتعارف گذاشته شود.

بخشی از ادعاهایش رسماً تکذیب شده، برای بسیاری دیگر سندی وجود ندارد، اما پیوندهای خانوادگی و سیاسی‌اش واقعی است. خودش هم با وجود همه تکذیب‌ها، همچنان با اطمینان کسی حرف می‌زند که گویی از جایی خبر دارد.

خرازی را شاید کسی گردن نگیرد، اما آیا سرش به هیچ محفل یا باندی هم‌بند نیست؟

وحید پوراستاد



وحید پوراستاد، روزنامه‌نگار سیاسی است که سابقه نزدیک به دو دهه فعالیت روزنامه‌نگاری در روزنامه‌های مختلف ایران را دارد. او از اواخر سال ۸۹ به تحریریه رادیو فردا پیوست و در مدت فعالیت خود در رادیو فردا چندین مستند رادیویی و تلویزیونی نیز از جمله «سلول انفرادی»، «سی جنجال یک رئیس‌جمهور»، «پرونده قاضی سعید مرتضوی» و فیلم مستند «در اتاق بازجویی» را ساخته است.

این مطلب بخشی از:

فراتر از خبر

بایگانی

سیاسی